



مصاحبه پروین کابلی سردبیر آزادی زن با علی جوادی از شورای مرکزی سازمان آزادی زن در رابطه با

اعتراضات اخیر دانشجویان در دانشگاه پلی تکنیک، تحریم اقتصادی ایران توسط آمریکا و خطر احتمال جنگ در ایران

بخش دوم

پروین کابلی: شما تصویری از جنگ می‌دهید که به نظر من واقعی است اما کامل نیست. در این تصویر شما از تغییر و تحولات در جامعه، منظوم در میان مردم است، صحبت زیادی نمی‌کنید. جنگ تا حدود زیادی مردم را پشت رژیم بسیج می‌کند. اینکه یک نیروی بیگانه حمله کرده و باید ایران را نجات داد نیروی است که می‌تواند حتی بسیاری از نیروهای اپوزیسیون را پشت رژیم جمهوری اسلامی به صف کند. در این مورد چه می‌گوئید؟

علی جوادی: مسلما رژیم اسلامی، برخی از نیروهای ملی-اسلامی یا حتی بخشهایی از نیروهای اپوزیسیون ناسیونالیست محافظه کار در چنین موضعی قرار خواهند گرفت. تلاش خواهند کرد در مقابله با "دشمن خارجی" با رژیم اسلامی "همسو" شوند. جنگ بدون تردید صف بندیهای سیاسی جامعه را دستخوش تغییرات جدی خواهد کرد. هم اکنون داریوش همایون از حزب مشروطه

چنین موضعی اتخاذ کرده است. اعلام کرده است که در صورت وقوع جنگ در همسویی با رژیم اسلامی قرار خواهد گرفت.

اما این یک بخش از تصویر است. بنظر من مردم، توده مردم، از جنگ بیزارند. اما الزاما در کنار و در پشت رژیم بسیج نخواهند شد. رژیم اسلامی را عامل تداوم و گسترش جنگ احتمالی می‌دانند. رژیم اسلامی منفرتر از آن است که قادر شود یک بسیج ناسیونالیستی و "میهنی" گسترده را در صورت وقوع جنگ سازمان دهد. شاید بخشهایی در مقابله با جنگ احتمالی در همسویی با رژیم اسلامی قرار گیرند. مسلما نیروهایی مانند توده‌ای‌ها و اکثریتی‌ها و امتالهم تلاش خواهند کرد در این اوضاع خطیر به کمک رژیم بشتابند. اینها رسالتشان حمایت از موجودیت رژیم اسلامی در شرایط خطیر است. این واقعیت را نمیتوان انکار کرد. اما بنظرم اردوی مقابله با

یادداشت سردبیر

تشدید حفقان در ایران!

تشدید اقدامات دولت آمریکا بر علیه منابع اقتصادی ایران، خطر یک حمله نظامی و محکومیت و زندانی کردن فعالین زن در ایران، این روزها بیشترین توجه را به خود جلب نموده است. خبرگزاریهای خارجی خبر اعتراضات دانشجویی در ایران برای آزادی دوستان زندانی خود را وسیعا پخش کردند و همزمان پشتیبانی از کارگران زندانی و مبارزات آنها مورد توجه بیشتر اتحادیه‌های کارگری در نقاطی از جهان قرار گرفت.



در این شکی نیست که دستگیری و زندانی کردن زنان فعال و دانشجویان مبارز و کارگران یک پیش شرط سرکوبی گسترده تر و آماده کردن زمینه حمله وسیعتر به مبارزاتی است که مردم در چند سال گذشته آغاز نموده اند. همانطور که پیش بینی می شد خطر حمله آمریکا یک بهانه بسیار مناسب در چنین شرایطی است. جامعه ایران دستخوش تحولات جدی میباشد. برای چنین تحولاتی باید آماده بود و خود را سازمان داد. تنها یک سازماندهی وسیع و مردمی میتواند چنین شرایطی را به نفع جنبش رادیکال و برابری طلب تغییر دهد. سازمان آزادی زن باید بتواند در چنین شرایطی پیشاپیش جنبش برابری طلب ظاهر شود و به عنوان سازمانی رهبر و هدایت کننده نقش خود را در مبارزات زنان برای برابری و آزادی به نمایش بگذارد.

این هفته، سازمان آزادی زن کمپین وسیعی را برای آزادی فعالین زن آغاز نموده است. رمز موفقیت این کمپین تلاش همه ی انسانهای آزادیخواه و برابری طلب است. این کمپین به همه ی این نیروها احتیاج دارد. در این رابطه مصاحبه کوتاهی با آذر ماجدی داریم که مسئولیت پیشبرد کمپین را بعهده دارد.

بخش دوم مصاحبه با علی جوادی در مورد خطر احتمالی جنگ و نیروهای اپوزیسیون و چگونگی همکاری با آنها را ملاحظه خواهید کرد.

همچنین مقاله ای داریم در صفحه ویژه ۸ مارس از سایت زنان ۸ مارس. و دیگر اینکه جا دارد از همه دوستانی که با فرستادن نامه در مورد پخش نشریه در ایران گزارش میدهند تشکر کنیم. دست همگی این دوستان را از دور به گرمی میفشاریم.

بعدالتحریر: در هنگام بستن نشریه خبر یافتیم که حکم زندان دلارام علی متوقف شده است. سازمان آزادی زن تلاش خواهد کرد که کمپین خود را برای آزادی بقیه زنان فعالین که دستگیر شده و هنوز آزاد نشده اند ادامه دهد. در این مورد مصاحبه کوتاهی داریم با آذر ماجدی که در صفحه ۵ درج شده است.

پروین کابلی

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

رژیم آدمکشان جنگ طلب بمراتب قوی تر از اردوی مدافعان رژیم اسلامی و توجیه گران جنگ و "دفاع طلبی" و "میهن دوستی" خواهد بود. بعلاوه به هر درجه که شعله‌های جنگ بالا رود، به همان درجه هم مردم به نقش و جایگاه و مطلوبیت جنگ در اهداف سیاسی رژیم اسلامی و آمریکا واقف خواهند شد.

بعلاوه اردوی کمونیسم کارگری را باید در مرکز این تصویر قرار داد. ما در راس اردوی ضد جنگ با تمام قوا تلاش خواهیم کرد امر سرنگونی رژیم اسلامی جنگ طلب و پایان دادن به جنگ و آزادی مردم را دنبال کنیم. پایان دادن به جنگ در ایران تنها با تشدید مبارزات مردم برای سرنگونی رژیم جنگ طلب ممکن است.

پروین کابلی: شما از یک جریان و صف رادیکال در مرکز این جنگ صبحت می‌کنید. این صف یا آنطور که شما می‌گویند اردوی کمونیسم کارگری است. این اردو و صف چه خواهد کرد؟ آیا شما بر این باور هستید که در چنین بلبشونی بتوانید نیروهای خودتان را جمع کنید و به هر دو طرف جنگ یعنی جمهوری اسلامی از یک طرف و آمریکا از طرف دیگر نه بگوئید. این کار را چگونه خواهید کرد و چه سیاستی را در پیش خواهید گرفت؟ شعار شما چیست و استراتژی شما علیه جنگ چه خواهد بود؟

علی جوادی: اشاره من به نیرویی بود که در "راس" اعتراضات مردم آذیخواه در مقابل با جنگ بود. اردوی کمونیسم کارگری در پیشاپیش اعتراضات مردم در این تقابل قرار خواهد داشت. اما صفتی که در مقابل جنگ دو قطب

تروریستی خواهد ایستاد، گسترده تر و وسیع تر از اردوی کمونیسم کارگری است. مردمی که از جنگ بیزارند، مردمی که از اسلام و حکومت اسلامی بیزارند، مردمی که نمی‌خواهند شاهد قلدردی و زورگویی امپریالیستی آمریکا باشند، مردمی نوع دوست و عدالتخواه هستند. تمامی این مردم بالقوه بخشی از این اردوی عظیم بشریت متمدن در مقابل با جنگ جهانی تروریستها هستند. این نیرو را برای آینده بشریت باید به میدان کشید. کار سخت و دشواری پیشرو است. اما در این مبارزه باید موفق شد. راه دیگری در مقابل ما نیست. باید این فضای جنگ طلبی و نابود کننده را تغییر داد. بخاطر آینده انسانیت باید این کشمکش را خنثی کرد.

ببینید رژیم اسلامی میکوشد به بهانه جنگ تعرض گسترده ای را علیه مردم سازمان دهد. هدف این سرکوب در درجه اول فعالین و سازماندهندگان کارگری و اعتراض اجتماعی خواهد بود. این یک وجه تعرض رژیم است. از طرف دیگر رژیم خواهد کوشید فضای سیاسی جامعه را در حمایت خودش بسیج کند. بسیج فالانژیستی و ناسیونالیستی از ارکان تهاجم رژیم خواهد بود. باید برای مقابله با هر عرصه از تعرض رژیم اسلامی آماده شد.

استراتژی عمومی ما در شرایط جنگی تغییری نخواهد کرد. ما برای آزادی، برابری و رفاه مبارزه میکنیم. سرنگونی رژیم جنگ طلب، رژیم فقر و فلاکت شرط اول تحقق چنین اهدافی است. مبارزه علیه جنگ در ایران از کانال مبارزه علیه رژیم اسلامی میگذرد. سرنگونی رژیم اسلامی یک حلقه اصلی در تقابل با جنگ

ارتجاعی تروریستها است.

جوهر شعارهای عمومی ما همان است که در شرایط غیر جنگی مطرح کرده ایم. اما باید نسخه جدیدی از این شعارها را در قبال جنگ هم ارائه داد. بعلاوه باید شعارها و پلاتفرم جدیدی در مقابل با این شرایط تهیه کرد. شعار مرگ بر این جنگ تروریستی، مرگ بر این حکومت جنگ طلب، ما جنگ نمیخواهیم، آزادی و برابری و رفاه میخواهیم، ختم جنگ فوری، جنگ را با سرنگونی رژیم اسلامی تمام کنیم، این شعارها و بسیاری شعارهای این چنینی مجموعه‌ای هستند که در این شرایط ویژگی ما را بیان میکنند.



از طرف دیگر ما باید در مقابل تحرک تمام نیروهای مخرب و ضد اجتماع که در این شرایط سر بلند میکنند، با تمام قوا ایستادگی کنیم، چه نیروهای قوم پرست و ناسیونالیستهای جنگ طلب و چه نیروهای اسلامیت و تروریست. بعلاوه جنگ زمینه‌ای برای تحرک دستجات تروریست و باند سیاهی و مافیایی است. یک وظیفه ویژه ما در این شرایط ایزوله کردن و جارو کردن این جریانات از صحنه تحولات جامعه است.

پروین کابلی: تعدادی از نیروهای اپوزیسیون در کنار رژیم قرار خواهند گرفت. در این هیچ شکی نیست. ولی همگی نه. فکر میکنید در چنین شرایطی با کدام از نیروهای اپوزیسیون میتوانید همکاری کنید؟ اصلا آیا امکان همکاری در بین اپوزیسیون در یک جبهه‌ی گسترده وجود دارد. منظورم فقط آنطور که شما می‌گویند اردوی کمونیسم کارگری نیست؟

علی جوادی: مساله ما قبل از هر اتحاد عمل و همکاری به میدان کشیدن آن نیروی عظیم بشریت متمدن در مقابل با این جنگ است. واقعیت این است که بدون تکان عظیمی از جانب این نیرو باید شاهد شکل گیری فاجعه ای دهشتناک باشیم. از این رو بخش اساسی تلاش ما برای سازماندهی و مقاومت این مردم خواهد بود. و این امری "ایرانی" نیست. بلکه مساله ای جهانی است. باید تمام قوای موجود در تقابل با جنگ را به میدان کشید.

به نظر من مردم در مقابل با جنگ به میدان خواهند آمد. ما باید تلاش کنیم که این مردم بدون کوچکترین شائبه‌ای به میدان بیایند. مساله اساسی برای ما این است که چه خط مشی بر این مقاومت و مقابل با جنگ بر جنبش اعتراضی مردم حاکم خواهد شد. آیا اردوی کمونیسم و آزادیخواهی قادر خواهد شد در مقام نیروی هدایت کننده و سازمانده جنبش علیه جنگ قرار گیرد؟ آیا جریانات ملی-اسلامی و یا ناسیونالیستی در موقعیت رهبری کننده و افق دهنده به جنبش مقاومت علیه جنگ قرار خواهند گرفت؟ کدامیک؟ این یک مساله جدی است. و در این جدال سرنوشت جامعه رقم خواهد خورد. اگر ملی-اسلامیها قادر شوند در راس مقاومت مردم

نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!

کرد. کمونیسم کارگری چگونه نقش خودش را ایفا خواهد کرد. البته ایشان این نکته را هم اضافه کرده است که در صورت حمله نظامی، مردم خواهند جنگید. منظورشان در همسویی با رژیم اسلامی و نه در مقابله با جنگ و بمنظور سرنگونی رژیم اسلامی است.

دو گرایش موجودیت و سرنوشت سیاسی گرایش ملی اسلامی و یا به قول شما "جریان اصلاح طلب" را شکل خواهد داد. این گرایش از یک طرف تحت تأثیر بخش حکومتی "اصلاح طلبان" قرار خواهد گرفت. این اردو تلاش خواهد که بمنابۀ نیروی مخالف جنگ و "ناجی" نجات جمهوری اسلامی از خطر جنگ ظاهر شود. این گرایش تأثیرات بسزایی در کلیت جنبش ملی-اسلامی خواهد داشت. در این بخش، دوم خردادیهای حکومتی و رفسنجانی قرار دارند. از طرف دیگر نیروهای متعدد جنبش ملی اسلامی تلاش خواهند که بمنابۀ نیروی ضد جنگ در راس "اعتراضات" جامعه قرار گیرند و لشکر شکست خورده خود را جمع و جور کنند. این رکن فعالیت این نیروها، فشار بر جنبش سرنگونی طلبی توده‌های مردم است. تلاش خواهند کرد این جنبش را از اهداف اصلی خودش دور کنند. دیواری میان تقابل با جنگ و جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی ایجاد کنند. ماحصل تلاش این نیروها از آنجائیکه فاقد آلترنایو مستقل حکومتی هستند، تماما به جیب بخش حکومتی "اصلاح طلبان" خواهد رفت. نقد و افشای جوهر حرکت این جریانات یک وظیفه جنبش کمونیسم کارگری است.

با تشکر از شرکت شما در این مصاحبه

ما آن نیرویی هستیم که در مقابل هر دو سوی این جنگ ایستاده‌ایم. ما برای سرنگونی رژیم اسلامی و امر آزادی جامعه مبارزه میکنیم. زمین زیر پای ما سفت و محکم است. بار دیگر دوست دارم تأکید کنم که مساله ما کسب رهبری جنبش مقاومت توده‌ای مردم علیه جنگ و جنبش سرنگونی رژیم اسلامی است.

پروین کابلی: به عنوان آخرین سوال، اخیرا در سایت روشنگری دیدیم که شیرین عبادی به دولت فرانسه اخطار کرده و گفته است که حمله به ایران دولت ایران را تقویت میکند. در این مورد چه می‌گویند؟ فکر میکنید در صورت حمله نظامی به ایران برای جریان اصلاح طلب چه اتفاقی خواهد افتاد؟



علی جوادی: زمانیکه خانم شیرین عبادی اشاره میکنند که جنگ، دولت را تقویت میکند، این بیان ایشان را باید در چهارچوب نزاع دو جناح رژیم اسلامی قرار داد. منظورش تقویت دولت احمدی نژاد و جناح راست است. حقیقتی است. اما می‌گویند "نیمی از حقیقت یک دروغ بزرگ است". شیرین عبادی تنها بخشی از حقیقت را می‌گوید. حمله نظامی مسلما شرایط را به نفع رژیم اسلامی در تعرض به مردم تغییر خواهد داد. اما این تغییر محتوم نیست. مساله این است که مردم در این شرایط چگونه عمل خواهند

نه به جمهوری اسلامی را گره بزنیم. در حزب ما پیرامون این مسائل از هم اکنون بحث و گفتگوی بسیاری در جریان است.

پروین کابلی: شما می‌گویند که "مخالف اصولی" با جبهه و ائتلاف ندارید. مشروط بر آنکه تخفیفی در اهداف و سیاستهای اصولی ما پیش شرط چنین توافقاتی نباشد. خوب همین را نیروهای دیگر هم می‌گویند. چرا آنها باید پیرامون خط شما جمع شوند؟

علی جوادی: ما جریانی نیستیم که بخاطر دستیابی به "توافق" و "جبهه سازی" پا روی اصول خود بگذاریم. این سنت جنبش ما نیست. همانطور که در قسمت قبل اشاره کردم مساله ما در درجه اول ایجاد

بیشترین انسجام و هماهنگی در صفوف جنبش خودمان است. مساله دیگر تلاش برای کسب هژمونی جنبش و سیاستهای جنبش مان در جنبش مقاومت مردم در برابر جنگ احتمالی و سرنگونی طلبی است. حتما این جریانات به دور ما "جمع" خواهند شد. این "جمع نشدن" ناشی از بد اخلاقی ما نیست. ناشی از تفاوت اجتماعی و جنبشی ماست. ببینید جنگ تصویر و سیمای سیاسی جامعه را دگرگون خواهد کرد. مکان و موقعیت اجتماعی احزاب و جریانات سیاسی را تغییر خواهد داد. جنگ مانند یک زلزله سیاسی عمل خواهد کرد.

قرار گیرند، در عین حال پایه‌های رژیم اسلامی را از زیر ضربات مردم خارج خواهند کرد.

چند فاکتور در این شرایط برجسته میشود. جنگ میتواند شیرازه جامعه را در هم بشکند. باید برای جلوگیری از چنین تخریبی آماده شد. نباید اجازه داد که زندگی مردم بازیچه دست اوباش اسلامی و میلیتاریستهای بمب افکن و سگان شکاریشان در جبهه قوم پرستان شود. از اینرو باید تلاش کرد تا بیشترین بسیج سیاسی را در مقابله با این دورنما شکل داد. این یعنی توافقی پایه‌ای میان نیروهایی که به اصالت انتخاب آزادانه مردم، برابری انسانها و تمدن سیاسی پایبندند. مخالف جنگ و خواهان سرنگونی رژیم اسلامی هستند.

اما از ائتلاف و جبهه پرسیده بودید. من مخالف اصولی در این زمینه ندارم. مشروط بر آنکه هیچگونه تخفیفی در اهداف و سیاستهای اصولی ما پیش شرط چنین توافقاتی نباشد. ببینید مساله ما این است که ما خط خودمان را داریم. جنبش خودمان را داریم. در درجه اول برای پیشبرد آن تلاش میکنیم و در ضمن مایلیم که بیشترین نیروهای سیاسی به گرد مسائل پایه‌ای مورد نظر ما جمع شوند. مسلما جامعه در مقابل جنگ و تخریب و نابودی و تعرض رژیم و بمباران ایستادگی خواهد کرد. مساله این است که کدام خط سیاسی بر این جنبش مقاومت حاکم خواهد بود. ما میکوشیم که رهبری مبارزات و اعتراضات و انزجار مردم از جنگ را نمایندگی کنیم. اجازه ندهیم که ملی‌اسلامیها و مدافین نیمه جان رژیم اسلامی افق خود را بر این اعتراضات حاکم کنند. ما خواهیم کوشید نه به جنگ و



به مناسبت روز جهانی رفع خشونت علیه زنان

زنجیره خشونت علیه زنان به قدمت هزاران سال و به درازی همه مرزهای جهان

وقتی سربازان آمریکایی پس از تجاوز به عیبر عراقی دختر 15 ساله او را سوزاندند، در روستای کوچک نکا در ایران قلب خاله عاطفه آتش گرفت. عاطفه هم 15 سال داشت و جلادان اسلامی پس از تجاوز او را به دار سپردند. وقتی جنگ سالاران اسلامی امینه را در افغانستان سنگسار کردند، در زندان جلفا حاجیه دلش لرزید، از وحشت سنگهایی که بر سرش فرو خواهد آمد. خیریه در زندان دیگری در ایران فریاد زد مرا سنگسار نکنید، بدارم بیاویزید. وقتی مردسالارهای نرینه سوهان دختر 18 ساله را در سورسن پاریس به آتش کشیدند، مرجان 16 ساله هم در ایران خود را به آتش کشید، که با مردی، همسن پدر بزرگش ازدواج نکند. کمی بعد سومارای پاکستانی با 80 درصد سوختگی جان سپرد، تا آخرین لحظه هم نگفت که این شوهرش بود که او را به آتش کشید. وقتی کلثوم 7 ساله در سومالی ختنه شد، فریادش با آخرین فریاد دلخراش مریم 9 ساله در شب زفاف در هم آمیخت. آخر می دانید عروسک مریم را گرفتند و عروسش کردند.

سیندیسو 23 ساله ایدز دارد. سیندیسو بارها مورد تجاوز مردان واقع شده است. وقتی سه ساله بود پدر بزرگش به او تجاوز کرد، همان موقع بود که فادیمه در سوئد توسط پدر و همکاری برادرش به قتل رسید.

ماری ترنتینیان با ضربه های دوست پسرش، خواننده سرشناس فرانسوی به قتل رسید. کمی بعدتر نادیا شاعر افغانستانی نیز بدست شوهرش به قتل رسید. کمی قبل تر و کمی بعدتر لیزا و جویس توسط مردانی ناشناس پس از تجاوز به قتل رسیدند. لیزا و جویس هر دو در آمریکا بودند.

وقتی ناتالی در ویترونی در آمستردام به انتظار مشتری نشسته بود، کشتی بردگان جنسی در بندر هامبورگ لنگر انداخت.

وقتی یک میلیون زن عراقی در طی سالهای تحریم اقتصادی آمریکا و متحدانش جان خود را از دست دادند، بیش از 4 میلیون زن عمدتاً آفریقایی بر اثر جنگ جان خود را از دست داده بودند و خواهرانشان هزار هزار در بوسنی مورد تجاوز نظامیان قرار گرفتند.

زنجیره جهانی خشونت میلیونها زن را در کنار یکدیگر قرار داده است. خشونتی که روزانه بیش از 3 میلیارد زن در چهار گوشه جهان تجربه می کنند. در شهر و روستا، خانه، محل کار، خیابان و کوچه در اسارت زنجیرهای خشونت ایم. زنجیری که دو سرش با حلقه های خشونت دولتی و خانگی به هم جوش خورده است.

زنجیره خشونتی به قدمت هزاران سال و به درازی همه مرزهای جهان!

اگر مبارزه و مقاومت زنان در سراسر جهان زنجیرهای خشونت را به لرزه در آورده، اما تهاجم افسار گسیخته سرمایه و نظم نوین جهانی نیز به ضخامت آن افزوده است. فقر، مرگ، بیماری، گرسنگی، بیسوادی، بیگاری و بیکاری در جهان کنونی هر چه بیشتر و بیشتر زنجیره خشونت را بر دست و پایمان محکم می کند.

اما هر قدر زنجیر خشونت جهانی تر شده است، مبارزه و مقاومت زنان نیز ابعاد جهانی بیشتری به خود گرفته است. از دوردستها صدای مبارزه و مقاومت یکدیگر را می شنویم و قلبمان می تپد. از مبارزات یکدیگر الهام می گیریم و از پیروزی هایمان احساس غرور و جسارت می کنیم. هر پیشروی زنان در هر نقطه ای از جهان را از آن خود می دانیم.

هر قدر ما زنان آگاهتر می شویم، درمی یابیم خشونت حربه نظام طبقاتی مردسالار و پدرسالار برای تحکیم و تثبیت فرودستی مان است. هر قدر بیشتر می فهمیم که خشونت در هر شکلش وسیله ای برای مطیع و برده کردن ماست، در می یابیم که این خشونت قابل مهار نیست مگر اینکه فرودستی زن سرنگون شود. و فرودستی زن با اقدامات «لطیف» از بین نخواهد رفت، چون مناسبات قدرت مردسالار و طبقاتی از آن نگاهیانی می کند. رهائی زن وابسته است به سرنگونی نظام قدرت ارتجاعی حاکم در جهان.

اینک مانیم در صفوف میلیونی، با رشته پیوندهای محکم برای در هم شکستن زنجیرهای ستم و بردگی تاریخی مان و بنا نهادن جامعه ای بدون ستم و استثمار. بر سرعت گام های خود بیفزائیم، دیر کرده ایم. آینده بر در زمان کوبه می زند.

سازمان زنان هشت مارس (ایرانی، افغانستانی) www.8mars.com



نقاشی از دلارا دارابی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

کمپین بین‌المللی برای آزادی زنان در بند

سازمان آزادی زن این هفته کمپین گسترده‌ای را برای آزادی فعالین زن آغاز نموده است. مسئولیت این کمپین به عهده آنر ماجدی رئیس سازمان آزادی زن است.

آزادی زن: آنر ماجدی این هفته سازمان آزادی زن کمپینی را برای آزادی فعالین زن از زندان آغاز نموده است. دلارام علی، روناک صفار زاده، هانا عبدی. شما مسئولیت پیشبرد این کمپین را از طرف سازمان آزادی زن بعهده گرفته‌اید. این کمپین می‌خواهد چگونه پیش برود؟

آنر ماجدی: اخیراً رژیم اسلامی دامنه و شدت سرکوب فعالین جنبش‌های اجتماعی را افزایش داده است. دستگیری و زندانی کردن فعالین حقوق زن، فعالین کارگری، جنبش دانشجویی، خانواده‌های زندانیان سیاسی و حتی زندانیان سیاسی سابق به یک امر روزمره بدل شده است. بعلاوه رژیم اخیراً بمنظور ارباب فعالین، آدم ربایی و ترور فعالین را بعنوان یک روش سرکوب مورد استفاده قرار می‌دهد. چند تن از فعالین کارگری تاکنون به این شیوه ربوده شده‌اند و تعدادی کشته شده‌اند. لذا سازمان دادن یک فعالیت گسترده برای مقابله با

این دور سرکوب و تلاش برای آزادی این فعالین بنظر من باید در دستور کلیه سازمان‌ها و احزاب سیاسی چپ و پیشرو قرار گیرد. ما بنوبه خود کمپینی را برای آزادی فعالین حقوق زن آغاز کردیم. تلاش برای ایجاد آگاهی در سطح بین‌المللی راجع به این شرایط یکی از کارهایی است که ما به آن مبادرت می‌ورزیم. اطلاعیه اول کمپین به فارسی، انگلیسی و فرانسه به افراد و سازمان‌ها و سایت‌های بسیاری ارسال شده و وسیعاً انعکاس داشته است. تاکنون ظرف همین چند روزی که کمپین اعلام شده، استقبال خوبی از پتیشن بعمل آمده است. این تازه اول کار است و باید با تمام قوا این کمپین را فعالانه به پیش ببریم.

خوشبختانه روز شنبه مطلع شدیم که حکم دلارام علی متوقف شده است. این باعث خوشحالی است. نشان می‌دهد که رژیم علیرغم کلیه تلاش‌ها و نشان دادن خشونت وحشیانه، یک نیروی قدر قدرت نیست و میتوان با اعتراض و مقاومت آن را عقب‌نشاند. این اتفاق ما را از تاثیر گذاری کاری که انجام می‌دهیم مطمئن‌تر و ما را مصمم‌تر میکند. ما این کمپین را تا آزادی سایر فعالین ادامه می‌دهیم.



آزادی زن: در شرایطی که خطر یک جنگ احتمالی ایران را تهدید میکند، آیا فکر می‌کنید که مسئله آزادی فعالین زن نیروهای زیادی را متوجه خود کند؟

آنر ماجدی: خاصیت یک کمپین موفق که خوب سازمان داده شده اینست که مسائلی را که ممکن است مردم بدون توجه کافی از آن عبور کنند، به مساله مهم و مبرم روز بدل کند. ما در بیانیه جنگ اعلام کردیم که رژیم اسلامی تلاش خواهد کرد سرکوب مخالفین و فعالین را گسترش و شدت دهد. بنابراین حتی در شرایط جنگی نیز یک وجه مهم فعالیت ما باید افشای سرکوب و خفقان در کشور و تلاش برای مقابله با آن باشد. روشن است که رژیم اسلامی تلاش خواهد کرد که تحت نام شرایط فوق‌العاده جنگی هر صدای معترضی را خفه کند. در میان اپوزیسیون نیز بخشی به همسویی با رژیم اسلامی کشیده خواهند شد و سرکوب معترضین را کم‌اهمیت یا بعضاً ضروری جلوه خواهند داد. ما باید با چنین

شرایطی نیز مقابله کنیم. اعلام چنین کمپینی در این شرایط عملاً ما را برای شرایط سرکوب جنگی نیز آماده خواهد کرد.

آزادی زن: چه فراخوانی به سازمانهای زن و فعالین حقوق بشر ایرانی دارید؟ هر کسی و هر سازمانی چه اقداماتی در این رابطه را میتواند در دستور کار خود قرار دهد؟

آنر ماجدی: ما باید در رابطه با چنین کمپین‌هایی کلیه سازمان‌های آزادیخواه، انسان‌دوست و کلیه جریانات اپوزیسیون را به همکاری دعوت کنیم. تجربه خوبی در مورد کمپین علیه اعدام داریم. حزب اتحاد کمونیس‌کارگری کمپینی را اعلام کرد و تلاش کرد که جامعه را حول این مساله بسیج کند. و بنظر من این کمپین بسیار موفقی بود. برای مدتی همه جا، در همه سایت‌ها، نشریات و رسانه‌های فارسی زبان از لزوم لغو مجازات اعدام صحبت میشد. این یک دستاورد مهم برای جنبش آزادیخواه و رادیکال در ایران است. بنظر من این کمپین هم میتواند چنین خاصیتی داشته باشد. ما میتوانیم و باید با فعالیت فشرده و متمرکز در جهت جلب توجه عمومی و بین‌المللی بکوشیم.

آزادی زن: با تشکر و آرزوی موفقیت برای کمپین

نشریه آزادی زن از نقد و پیشنهادات شما استقبال می‌کند.
مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

70 درصد از فقیرترین افراد جهان را زنان تشکیل می‌دهند

به گزارش یونیسف در بهترین شرایط حقوق متوسط زنان سه چهارم دستمزد مردان است و با وجودی که دو سوم کل ساعات کار جهان مربوط به زنان است، آن‌ها تنها مالک یک دهم ثروت دنیا هستند.

در این گزارش آمده است، دختران به دلیل ناپختگی و نداشتن اطلاعات از حقوق خود در سنین خیلی پایین به خواست و اجبار والدین و بر

اساس فشارهای جامعه‌تن به ازدواج می‌دهند. دختران در صورتی که مایل به اشتغال خارج از منزل باشند، نیز با مشکلاتی چون بهره‌کشی، حقوق پایین و یا سوء استفاده و بدرفتاری صاحبان کار مواجه میشوند. بنا بر همین گزارش حدود 70 درصد از فقیرترین افراد در سراسر جهان را زنان تشکیل می‌دهند. خبر از ایسنا



از میان خیرها

به سازمان آزادی زن پیوندید!



ستم بر زن موقوف

سرکوب زنان ممنوع

فعالین حقوق زن در بند باید آزاد شوند

کمپین بین المللی برای آزادی زنان در بند!



محکوم به ۲ سال و ۶ ماه حبس



روناک صفار زاده و هانا عبیدی

دلارام علی، فعال حقوق زن به ۲۸ ماه زندان و ده ضربه شلاق برای شرکت در تجمع ۲۲ خرداد ۱۳۸۵ محکوم شده است. دلارام علی از فعالین و مدافعین حقوق زن است. وی در گفت و گو با روز اظهار داشت که از تیرنه ناعادلانه نیروی انتظامی به دلیل ضرب و شتم وی و دریافت حکم زندان خود، شگفت زده است. این حکم با اعتراضات وسیعی در ایران مواجه شده است. اما رژیم اسلامی بدون توجه به این اعتراضات و تلاش های وکیل مدافع وی، شیرین عبیدی، بر قطعیت این حکم تاکید کرد.

محکومیت دلارام علی در شرایطی اعلام میشود که رژیم اسلامی، بطور روزافزونی به دستگیری فعالین حقوق زن، کارگری و دانشجویی مبادرت ورزیده است. بعلاوه اخیرا رژیم اسلامی تاکتیک ترور فعالین کارگری را بعنوان راهی برای خاموش کردن اعتراضات کارگری و اجتماعی اتخاذ کرده است.

بازداشت هانا عبیدی در کردستان

هانا عبیدی، ۲۱ ساله، دانشجوی رشته روان شناسی در دانشگاه پیام نور بیجار، از فعالین حقوق زن و کمپین یک میلیون امضاء و از اعضای انجمن زنان آذر مهر در کردستان، قربانی جدید دور اخیر سرکوب و بازداشت های گسترده است. روز ۱۳ آبان مامورین رژیم هانا را در خانه پدر بزرگش در سنندج بازداشت کردند. سپس به خانه پدر و مادر وی رفته و کامپیوتر او و دفاتر مربوط به کمپین یکی میلیون امضاء را مصادره کردند.

هانا از دوستان و همکاران روناک صفار زاده است که اکنون بیش از یک ماه از بازداشت او میگذرد و هیچگونه خبری از او در دست نیست. مادر روناک تلاش های بسیاری برای دریافت خبر از دخترش انجام داده است. رژیم اسلامی در مقابل این تلاش های مادر روناک، او را مورد اذیت و آزار قرار داده است.

سازمان آزادی زن قاطعانه سرکوب فعالین حقوق زن و بازداشت آنها و کلیه فعالین اجتماعی و کارگری را محکوم میکند. باید رژیم اسلامی را برای آزادی بازداشت شدگان اخیر و کلیه زندانیان سیاسی تحت فشارهای روز افزون بین المللی قرار داد. به این منظور سازمان آزادی زن یک کمپین بین المللی برای آزادی این فعالین سازمان داده است. ما از کلیه سازمان های حقوق زنان، کارگری و حقوق بشر می خواهیم که رسماً و علناً رژیم اسلامی را محکوم کنند و برای آزادی این فعالین تلاش کنند.

ستم بر زن موقوف! سرکوب زنان ممنوع! زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

سازمان آزادی زن ۷ نوامبر ۲۰۰۷

لطفاً پتیشن ما را امضاء کنید: <http://www.PetitionOnline.com/maryam20/petition.html>



اطلاعیه ۲

کمپین بین المللی برای آزادی زنان در بند!

به گزارش کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر، سپیده پور آقایی، فعال حقوق بشر که ۶۰ روز پیش در منزلش در کرج دستگیر شده است، هنوز در زندان بسر میبرد و گفته میشود که پرونده او بزودی به دادگاه ارسال خواهد شد. مادر سپیده میگوید که سپیده باید تا زمان تشکیل دادگاه کماکان در زندان بماند. سپیده ۸ سال پیش نیز بمدت یک ماه زندانی بوده است.

مرضیه پورنقی دستگیر شد!



سپیده پور آقایی

یکی دیگر از دستگیر شدگان اخیر مرضیه پورنقی ۴۶ ساله است. وی بعد از ظهر شنبه ۱۳ آبان ۱۳۸۶ با یورش وحشیانه مامورین اداره اطلاعات قزوین دستگیر و به نقطه نامعلومی منتقل شد. طبق گزارشات رسیده، رفتار مامورین با مرضیه و خانواده او بسیار زشت و تند بوده و مامورین هنگام تجسس خانه وسایل خانه را تخریب کرده و مقادیری از وسایل شخصی او را با خود بردند. مرضیه پورنقی از زندانیان سیاسی دهه ۶۰ است. گفته میشود که وزارت اطلاعات اخیراً مبادرت به دستگیری زندانیان سیاسی سابق و انتقال آنها به زندان های مخفی میکند. از وضعیت مرضیه هیچگونه خبری در دست نیست و مراجعات مکرر خانواده وی به دادگاه انقلاب بی حاصل بوده است.

ستم بر زن موقوف! سرکوب زنان ممنوع! زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

سازمان آزادی زن ۹ نوامبر ۲۰۰۷

رئیس سازمان آزادی زن
آذر ماجدی

azarmajedi@yahoo.com

سر دبیر نشریه

پروین کابلی

parvinkaboli@yahoo.se

Tel: +46 707 744 020

دستیار سر دبیر

اسماعیل اوجی

زنده باد آزادی زن!